



وزارت نیرو به دنبال کولرهای بهینه

وزارت نیرو به دنبال جایگزینی موتور کولرهای آبی برای صرفه‌جویی است. به گزارش ایلنا، عباس علی‌آبادی، وزیر نیرو گفت: در حال حاضر نزدیک به ۲۰ میلیون کولر آبی در کشور مورد استفاده قرار دارد و سالانه حدود یک میلیون دستگاه جدید نیز به این چرخه افزوده می‌شود. بر همین اساس، نگاه ویژه به ارتقاء بازده انرژی در تجهیزات موجود از اهمیت بسزایی برخوردار است. در همین راستا، طرح جایگزینی الکتروموتورهای با فناوری جدید و راندمان بالای BLDC به جای الکتروموتورهای القایی در کولرهای آبی، به عنوان یکی از پروژه‌های مهم وزارت نیرو با راهبری سانبا و حمایت نهادهایی همچون صندوق نوآوری و شکوفایی، شرکت توانیر و مجموعه‌ای از شرکت‌های دانش‌بنیان و تولیدکننده داخلی، اجرایی شده است. وزیر نیرو با بیان اینکه ارتقای بهره‌وری انرژی کلید اصلی کاهش ناترازی برق در اوج بار تابستان است، افزود: سالانه یک میلیون کولر آبی جدید به چرخه مصرف برق افزوده می‌شود و با اجرای طرح تعویض الکتروموتورهای القایی با مدل‌های راندمان بالا می‌توان تا ۵۰ درصد مصرف برق کولرهای آبی را کاهش داد.



تخصیص ارز نوشت افزار

تخصیص ارز برای تولید نوشت‌افزار تا پایان شهریور ۱۴۰۴ انجام می‌شود. به گزارش صداوسیما، علی لطفی‌زاده، دستیار ویژه وزیر صنعت، معدن و تجارت از تخصیص ارز برای واردات مواد اولیه تولید نوشت‌افزار تا پایان شهریور به منظور حمایت از تولیدکنندگان این صنعت خبر داد. لطفی‌زاده با اشاره به پیگیری‌های صورت‌گرفته در این زمینه گفت: وزارت صمت با همکاری بانک مرکزی روند تخصیص ارز را برای این بخش تسهیل کرده تا فرآیند تخصیص ارز به ثبت سفارش‌های مرتبط با نوشت‌افزار با سرعت و دقت بیشتری انجام شود و تولیدکنندگان بتوانند از طریق سامانه جامع تجارت اقدام به ثبت سفارش، و ارز مورد نظر خود را دریافت کنند. دستیار ویژه وزیر صمت تأکید کرد: رصد روند ثبت سفارش‌ها و تخصیص ارز به‌صورت مستمر در دستور کار وزارتخانه قرار دارد تا تولیدکنندگان بدون وقفه، فعالیت خود را ادامه دهند.



رشد ۶۷ درصدی تأمین ارزی

تأمین مالی ارزی ۶۵/۵ میلیارد دلاری طی سال گذشته انجام شد. به گزارش مهر، محمدشیرجیان، معاون سیاستگذاری پولی بانک مرکزی گفت: در سال گذشته، تأمین مالی ارزی به ۶۵/۵ میلیارد دلار رسید که نسبت به سال ۱۳۹۸ رشد ۶۷ درصدی را نشان می‌دهد. او به نقش بازار سرمایه به‌عنوان یکی از دو بال اصلی نظام تأمین مالی کشور اشاره کرد و افزود: بازار سرمایه باید به تأمین مالی طرح‌های توسعه و زیرساخت‌های کشور کمک کند و این نیازمند نگاه بلندمدت فعالان این حوزه است. یکی از مشکلات اصلی در برنامه‌های توسعه اقتصادی، عدم مشخص بودن اولویت‌ها است. صنعت مالی باید با توجه به این اولویت‌ها منابع خود را تخصیص دهد تا حداکثر ارزش افزوده و رشد اقتصادی حاصل شود.



عکس: دانیال شایگان/اکوایران

هزار همت هزینه تراشی ارز دولتی

کارشناسان حرکت به سمت اصلاح نرخ ارز را اولویت نخست حکمرانی می‌دانند

بلندمدت قابل تحقق نیست. وزیر اسبق اقتصاد با تغییر نرخ دلار نیمایی به نرخ توافقی یک قدم به سوی کاهش فاصله میان نرخ دلار بازار رسمی و آزاد برداشت؛ اما او تنها در ابتدای مسیر خود موفق بود و در ادامه مسیر با افزایش قیمت دلار در بازار توافقی، قیمت دلار بازار رسمی نیز روندی افزایشی به خود گرفت. به نوعی می‌توان گفت که این سیاست نیز شکست خورد؛ زیرا زمانی که اقتصاد کشور با تورم مزمن و فشار تحریم‌ها روبه‌روست، این کاهش فاصله قیمتی نمی‌تواند حذف رانت را در پی داشته باشد و در میان مدت شاهد موج جدیدی از افزایش قیمت‌ها و تلاطم در بازار خواهیم بود که این موضوع طی ماه‌های گذشته در اقتصاد کشور رخ داد؛ همچنان که شاهد آن بودیم در برهه‌ای قیمت دلار بازار آزاد به محدوده ۱۱۰ هزار تومان هم رسید.

در اصل ابتدا باید مشکلات اقتصادی حل شود و سپس نرخ ارز آزادسازی شود و به نوعی ارز در اقتصاد ایران تکران شود. زمانی که تحریم، تورم، کسری بودجه، رانت، عدم شفافیت و امثال این

همین افزایش فاصله قیمتی باعث می‌شود که رانت‌های ارزی، سفته‌بازی و فساد اداری به راحتی رخ دهد. در اصل چند قیمتی بودن نرخ ارز و اختصاص ارز با قیمت کمتر به افراد خاص باعث می‌شود که رانت در کشور به صورت سازمان‌یافته در جریان باشد. در کنار چندنرخ بودن ارز یکی از مهمترین مشکلات اقتصاد کشور را می‌توان تورم دانست که سرچشمه اصلی تمام مشکلات است. در اصل تورم بالا اجازه نمی‌دهد که مشکلات اقتصادی کشور ریشه‌یابی و حل شود و به واسطه همین موضوع معضلاتی همانند چندنرخ بودن را با مسکن‌های موقت درمان می‌شوند.

نرخ ارز در کشور همواره منشارانت بوده و اقتصاد را با چالش‌های بسیاری مواجه کرده است؛ اما نکته اساسی اینجاست که دولت‌ها معتقدند مشکلاتی چون چندنرخ بودن ارز با یک برنامه بلندمدت حل می‌شود. با توجه به فرصت چهارساله دولت‌ها، مسئولان ترجیح می‌دهند که با مسکن‌های موقت کار خود را پیش ببرند تا یک عملکرد مثبت در کارنامه خود به ثبت برسانند که این موضوع در



رقیه نادایی

خبرنگار اقتصادی

اقتصاد کلان

اقتصاد کشور همواره با معضل مزمنی به نام چندنرخ بودن ارز مواجه بوده؛ این مشکل نه تنها شفافیت و کارایی اقتصاد را تضعیف کرده بلکه محیطی مناسب برای شکل‌گیری رانت نیز فراهم کرده است. در تعریف ساده می‌توان گفت که چندنرخ بودن ارز یعنی آغاز رانت و حضور گروه‌های ذی‌نفع در اقتصاد کشور. در حال حاضر ارز در کشور ما چندین نرخ دولتی (همانند سنا، نیما، ارز ترجیحی و...) دارد؛ همین موضوع شرایطی را برای سوءاستفاده برخی از افراد فراهم کرده است. تجربه سال‌های اخیر در موضوع نرخ ارز به خوبی نشان داده هر چه نرخ‌های دولتی بیشتر و با تفاوت قیمتی بیشتری باشد رانت به‌صورت گسترده در اقتصاد کشور قابل مشاهده است.

محمدتقی فیاضی کارشناس اقتصادی:

اصلاحات قیمتی ارز به تنهایی نتیجه نمی‌دهد

جراحی ارزی تکرار می‌شود؟

در اصل اینکه «یکسان‌سازی نرخ ارز مفید است» تردیدی نیست. اما سؤال مهم این است که آیا در شرایط فعلی، حرکت به سمت اصلاح نرخ ارز باید اولویت نخست حکمرانی باشد؟ متأسفانه در اقتصاد ایران، همواره به جای ریشه‌یابی و از بین بردن علل اصلی بحران‌ها که مهم‌ترین نرخ بالای تورم است، دولت‌ها به اصلاحات قیمتی روی می‌آورند و کمتر سراغ اصلاحات ساختاری و دلایل اصلی تورم می‌روند؛ همان عواملی که خود سبب چندنرخ شدن ارز و شکاف میان نرخ‌های رسمی و بازار آزاد شده‌اند.

ریشه مشکلات اصلاح نشده و فقط با آن مقابله می‌شود؟

اصلاح نرخ ارز تنها زمانی موفق خواهد بود که ما تورم ساختاری و انتظارات تورمی بالا را کنترل کنیم. این موضوع نیز منوط به کنترل کسری بودجه، مهار رشد پایه پولی و کاهش انتظارات تورمی است. اگر این اصلاحات بنیادی انجام نشود، صرفاً با اصلاحات قیمتی مانند افزایش نرخ ارز، مارپیچی از قیمت (دستمزد) تورم ایجاد می‌شود که مدام خود را بازتولید می‌کند و ناچار، هر چند سال یک‌بار این فاصله‌ها مجدداً ایجاد و اصلاح می‌شوند.

بر اساس تجربه‌های قیمتی و جراحی‌های اقتصادی چه سرنوشتی در انتظار اقتصاد ایران است؟

تجربه تاریخی پس از جنگ نشان می‌دهد جراحی اقتصادی بارها تکرار شده اما هیچگاه ریشه مشکلات اقتصادی را نخشکاندند. بعد از



بر اساس صحبت‌های وزیر اسبق اقتصاد فاصله نرخ دلار بازار آزاد و نیمایی کاهش یافته است. به نظر شما این فاصله کاهش یافته است؟

از منطقی که آقای همتی مطرح کردند، درست است؛ یعنی فاصله نرخ ارز نیما و بازار آزاد به‌طور معناداری کم شده و این اتفاق افتاده است. در مورد مضرات تعدد نرخ ارز و اینکه باید قیمت‌ها یکسان باشند، سال‌ها صحبت شده و کسی تردیدی ندارد که نرخ‌های مختلف ارز مایه فساد، رانت، ایجاد مشکل برای صادرات، افزایش فشار بر بودجه دولت و مشکلات دیگر است و ضرورت یکسان‌سازی نرخ ارز محل بحث و جدل نیست.

چرا این شکاف باز هم ایجاد می‌شود و مرتب

جنگ، با فشار زیادی نرخ ارز آزاد و تعدیل قیمت‌ها تا حدی اتفاق افتاد اما آثارش کنترل شده بود. در دوره هاشمی‌رفسنجانی با برنامه تعدیل ساختاری، آزادسازی نرخ ارز و افزایش قیمت حامل‌های انرژی اجرا شد. نتیجه چه شد؟ تورم بالای ۵۰ درصدی که هنوز رکورددار دوران بعد از انقلاب است؛ نابرابری افزایش یافت و اصلاحات به دلیل تبعات سیاسی و اجتماعی سنگین نیمه‌کاره رها شد.

دولت خاتمی هم اصلاحات قیمتی محدود با آثار کنترل شده اجرا کرد. دوره احمدی‌نژاد موج دوم جراحی‌ها، به‌ویژه در حامل‌های انرژی و یارانه نقدی، اتفاق افتاد. نرخ ارز همچنان چندنرخ بود، ولی تمرکز بر اصلاح قیمت حامل‌های انرژی نتیجه‌ای جز تورم بالای ۳۰ تا ۴۰ درصد نداشت؛ آن هم دوره‌ای که درآمد‌های ارزی بالا بود و می‌توانست قیمت‌ها را کنترل کند، ولی اقتصاد به گروگان یارانه نقدی بدل شد. در دولت روحانی هم، در دوره برجام تلاش شد نرخ ارز تثبیت شود اما نهایتاً با بازگشت تحریم‌ها، کاهش بودجه و جهش قیمت رخ داد. مهم‌ترین جراحی اقتصادی، افزایش ناگهانی بنزین در آبان ۹۸ بود که بحران اجتماعی و بی‌ثباتی ارزی جدید به دنبال داشت. در دولت سیزدهم هم، با حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی و اصلاح قیمت انرژی در برخی بخش‌ها، تورم بالای ۴۰ درصد دوباره تثبیت و نابرابری تشدید شد.

چرا اصلاحات ساختاری مورد توجه دولت‌ها نیست؟

این انتخاب به منطق زمانی سیاست در ایران برمی‌گردد. دولتمردان می‌خواهند نتیجه اقدامات‌شان هر چه سریع‌تر نمایان شود؛ مثلاً برای انتخابات یا دوران مسئولیت خودشان. اما اصلاحات بنیادی مثل کنترل نقدینگی، اصلاح نظام بودجه‌ای، مهار کسری بودجه و اصلاح نظام بانکی، نیاز به زمان دارد و هزینه سیاسی سنگینی نیز دارد. برای بودجه‌بندی انضباطی، حذف هزینه‌های غیرضروری و کنترل نقدینگی باید در برابر منافع گروه‌های ذی‌نفوذ ایستاد که معمولاً مقاومتی جدی می‌کنند.

در مقابل، جراحی اقتصادی، مثلاً افزایش قیمت حامل‌های انرژی، آزادسازی نرخ ارز و حذف یارانه‌های پنهان اثرات آنی و ملموس دارد، درآمد دولت را بیشتر می‌کند، صدای ذی‌نفعان اصلی کمتر درمی‌آید و رسانه‌ها هم گاه آن را نمادی از شجاعت سیاستگذار جا می‌زنند. این سیاست‌ها در کوتاه‌مدت باعث افزایش منابع مالی دولت می‌شود اما